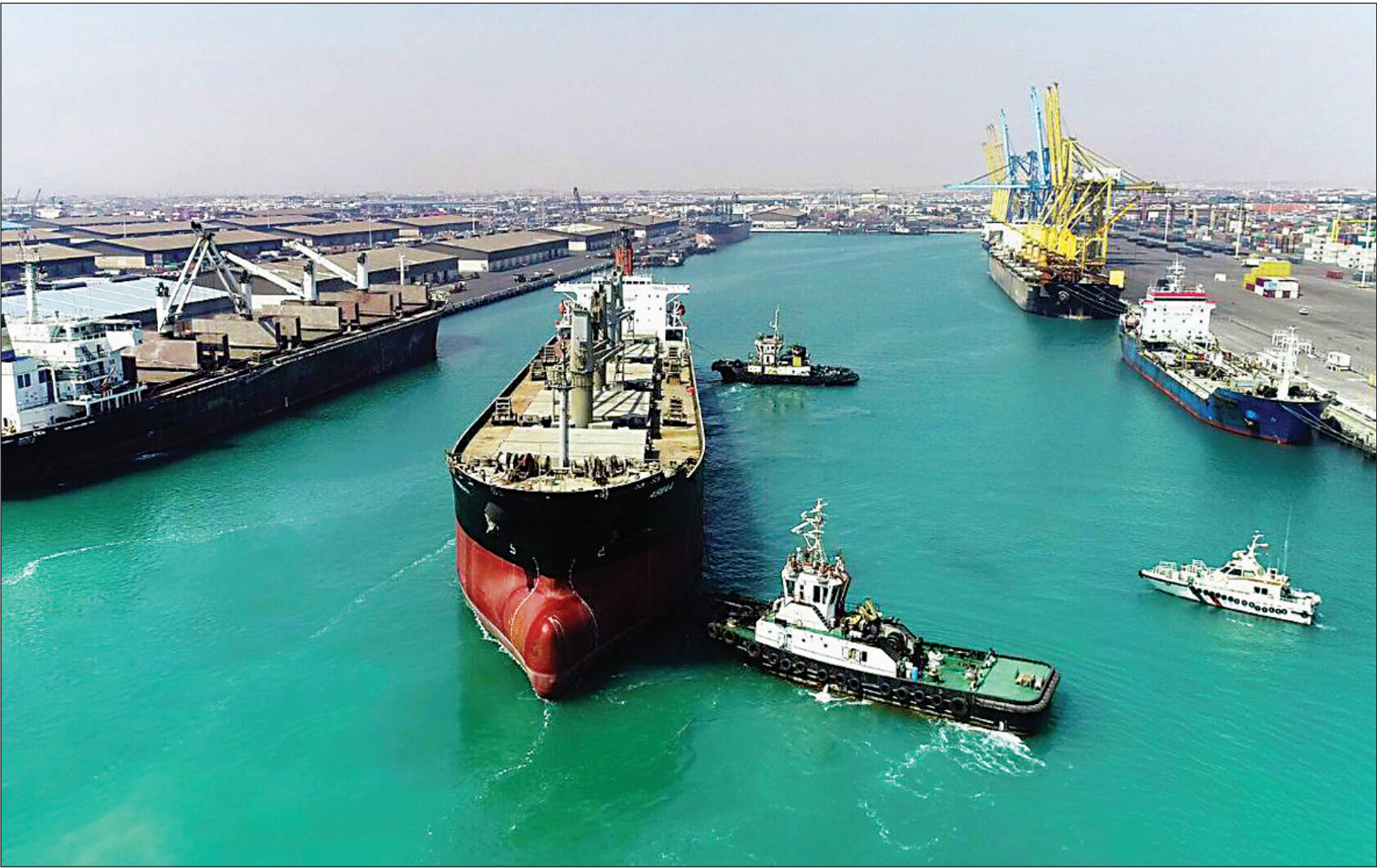


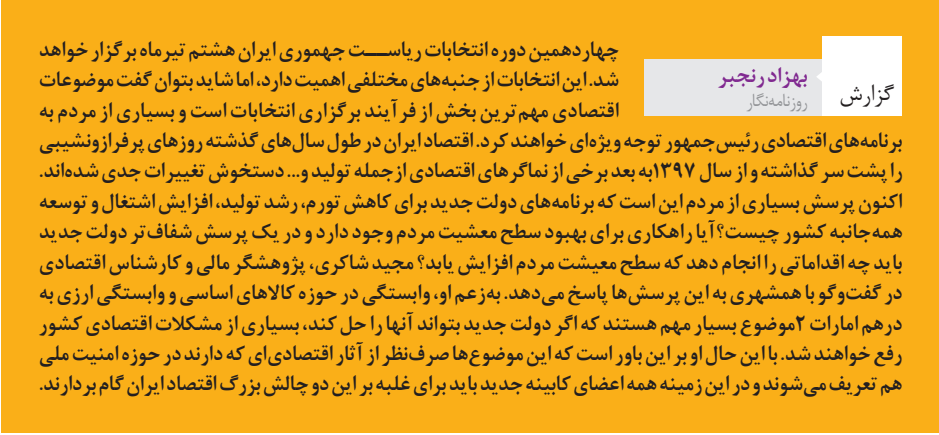
همیشه‌ی اقتصاد



باید وابستگی به درهم امارات را کم کنیم

مجید شاکری، اقتصاددان: حذف وابستگی ارزی ایران به درهم امارات و وابستگی در حوزه واردات کالاهای اساسی

به کانال‌های تحت سیطره آمریکا، باید در اولویت اقتصادی دولت جدید قرار گیرد



چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران هشتم تیرماه بر گزار خواهد شد. این انتخابات از جنبه‌های مختلفی اهمیت دارد، اما شاید بتوان گفت موضوعات اقتصادی مهم‌ترین بخش از فرآیند برگزاری انتخابات است و بسیاری از مردم به این موضوع اهمیت ویژه‌ای خواهند کرد. اقتصاد ایران در طول سال‌های گذشته روزهای پرفرازونشیبی را پشت سر گذاشته و از سال ۱۳۹۷به بعد برخی از نماگرهای اقتصادی از جمله تولید و... دستخوش تغییرات جدی شده‌اند. اکنون پرسش بسیاری از مردم این است که برنامه‌های دولت جدید برای کاهش تورم، رشد تولید، افزایش اشتغال و توسعه همه‌جانبه کشور چیست؟ آیا راهکاری برای بهبود سطح معیشت مردم وجود دارد و در یک پرسش شفاف‌تر دولت جدید باید چه اقداماتی را انجام دهد که سطح معیشت مردم افزایش یابد؟ مجید شاکری، پژوهشگر مالی و کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با همشهری به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. به‌زعم او، وابستگی در حوزه کالاهای اساسی و وابستگی ارزی به درهم امارات ۲موضوع بسیار مهم هستند که اگر دولت جدید بتواند آنها را حل کند، بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور رفع خواهند شد. با این حال او بر این باور است که این موضوع‌ها صرف‌نظر از آثار اقتصادی‌ای که دارند در حوزه امنیت ملی هم تعریف می‌شوند و در این زمینه همه‌اعضای کابینه جدید باید برای غلبه بر این دو چالش بزرگ اقتصاد ایران گام بردارند.



روابط اقتصادی با سایر کشورها یک مسئله امنیتی است. آنچه منجر به سرمایه‌گذاری گسترده ژاپنی‌ها و اروپایی‌ها در دهه ۷۰ در ایران شد، یک مسئله امنیتی بود که نتایج آن رشد صنعتی قابل توجه در دهه ۷۰ بود

بدون آنکه نگران افزایش سفته‌بازی در بازار دارایی‌ها باشد، ضمن اینکه حل این دو چالش زمینه‌ای را ایجاد می‌کند که اقتصاد کشور به سمت اجرای یک برنامه توسعه صنعتی خوشه‌ای گام بردارد؛

این موضوع را به کل دولت تسری دهد، اما خیلی موفق نشد.

چرا موفق نشد؟

پذیرفتن اینکه دولت باید یک ایده مرکزی داشته باشد از همین جا شروع می‌شود؛ یعنی مثلاً ما می‌دانیم که موضوع تنوع مبادی وارداتی کالاهای اساسی موضوع مهمی است، اما چون به جای آنکه به این موضوع از زاویه راهبردی نگاه کنیم از زاویه بازرگانی نگاه می‌کنیم، نمی‌توانیم موفق شویم و نهایتاً تلاش می‌کنیم که صرفاً یک کشور را جایگزین کشور دیگری کنیم که راهگشا نیست؛ مثلاً اولویت را برای واردات به هند می‌دهیم؛ در حالی که هند هم به نوبه‌خودش در کانال اوفک قرار می‌گیرد. البته نامه‌نگاری‌هایی انجام شده و شاید اگر سانحه بالگرد رئیس‌جمهور اتفاق نیفتاده بود، اقداماتی در این زمینه انجام می‌شد.

شما با ایجاد یک مرکز

فرماندهی واحد در قالب یک نهاد در

حوزه اقتصاد موافق هستید؟

با توجه به اینکه ایران در وضعیت فعلی با محدودیت‌های مهمی مواجه است، تولد یک نهاد جدید با دستور کار جدید زمان‌سر خواهد بود. من تصور می‌کنم بدون ایجاد یک نهاد جدید هم می‌توان کار را اجرا کرد.

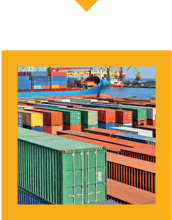
اگر وکالت سیاسی به نهادی داده شود این موضوع می‌تواند مؤثر باشد. در واقع بهتر است این مرکز فرماندهی در یکی از نهادهای فعلی مستقر باشد؛ مشروط بر اینکه مبتنی بر یک ایده باشد. اینکه شما یک ایده داشته باشید و طبق این ایده یک تیم منسجم را سازماندهی کنید مقدم بر داشتن یک نهاد به‌عنوان فرمانده اقتصادی است.

ایده یک فرماننده واحد

اقتصادی از این جهت مطرح می‌شود که می‌تواند ایده‌ها را به شکل مؤثر تر و با سرعت زیادتری اجرا و از تعدد نظارت در نهادهای مختلف جلوگیری کند؟

در شرایط فعلی تمرکز بر تغییر نهادها مفید نیست، اما اگر در داخل دولت یک فرمانده صاحب ایده حضور داشته باشد، مفید خواهد بود؛ چرا که می‌تواند بدون تغییر نهادها، افراد مرتبط با ایده اصلی را تعیین کند. در واقع می‌توان در ابتدا یک تیم منسجم تشکیل داد و پس از ایجاد هماهنگی در بین اعضای این تیم به این مثال همه دربارها ایجاد شورای ثابت مالی گذراند؛ این به بن‌بست خواهد رسید؛ به‌طور مثال همه دربارها ایجاد شورای ثابت مالی که درباره نرخ بهره تصمیم‌گیری کند اتفاق نظر دارند و آن را ضروری می‌دانند، اما چرا چنین نهادی ایجاد نمی‌شود؟ به

نکته



نیاید منزوی باشیم

اینکه واردات ما از مسال ۱۳۸۹تا سال ۱۳۹۹ به قیمت‌های ثابت یک پنجم شده، انتخاب ما نبوده و حاصل فشار شدید به تراز پرداخت‌ها بوده است. پس نمی‌توان گفت ما در گذشته انزواگرا بودیم و حالا باید تصمیم بگیریم که دیگ

انزواگرانباشیم. ما به‌دلایلی در کنج عزت گیر افتاده‌ایم که باید تحت هر شرایطی از این وضعیت خارج شویم.

اینکه واردات ما از مسال ۱۳۸۹تا سال ۱۳۹۹ به قیمت‌های ثابت یک پنجم شده، انتخاب ما نبوده و حاصل فشار شدید به تراز پرداخت‌ها بوده است. پس نمی‌توان گفت ما در گذشته انزواگرا بودیم و حالا باید تصمیم بگیریم که دیگ

انزواگرانباشیم. ما به‌دلایلی در کنج عزت گیر افتاده‌ایم که باید تحت هر شرایطی از این وضعیت خارج شویم.

اینکه واردات ما از مسال ۱۳۸۹تا سال ۱۳۹۹ به قیمت‌های ثابت یک پنجم شده، انتخاب ما نبوده و حاصل فشار شدید به تراز پرداخت‌ها بوده است. پس نمی‌توان گفت ما در گذشته انزواگرا بودیم و حالا باید تصمیم بگیریم که دیگ

انزواگرانباشیم. ما به‌دلایلی در کنج عزت گیر افتاده‌ایم که باید تحت هر شرایطی از این وضعیت خارج شویم.

اینکه واردات ما از مسال ۱۳۸۹تا سال ۱۳۹۹ به قیمت‌های ثابت یک پنجم شده، انتخاب ما نبوده و حاصل فشار شدید به تراز پرداخت‌ها بوده است. پس نمی‌توان گفت ما در گذشته انزواگرا بودیم و حالا باید تصمیم بگیریم که دیگ

انزواگرانباشیم. ما به‌دلایلی در کنج عزت گیر افتاده‌ایم که باید تحت هر شرایطی از این وضعیت خارج شویم.



حالاوقت ایران است

نقش کشورهایی مانند ایران که آورده‌های امنیتی مستقلی برای خود دارند و توانسته‌اند یک زیرساخت امنیتی مستقل خود را در تئ‌های بزرگ برای خود ایجاد کنند، بیشتر از آن‌ها موفق خواهند شد. با این حال حفظ این خودکفایی در خصوص گندم با توجه به وضعیت منابع آبی کشور در سال‌های آینده تعیین‌کننده است و باید منتظر ماند و دید آیا سیاست خرید تضمینی گندم و خودکفایی همچنان در اولویت دولت آینده قرار دارد یا نه؟

مسکن

راهبرد مسکن

در دولت جدید

سرنوشت نهضت ملی مسکن در دولت چهاردهم چه خواهد شد؟ این پرسشی است که با توجه به تجربه انتقال مسکن مهر از دولت دهم به دولت یازدهم، ذهن بسیاری از جامعه ۴میلیون نفری ذینفعان نهضت ملی مسکن را درگیر کرده‌است. تا زمانی که دولت جدید و سیاست‌های آن مشخص نشود، نمی‌توان پاسخ دقیقی به این پرسش داد؛ اما براساس خاستگاه متفاوت این دو طرح، می‌توان به‌طوربیط حدودی راهبرد دولت جدید در نهضت ملی بی برد. طرح مسکن مهر مبتنی بر اجاره بلندمدت زمین جهت احداث مسکن بود که در طرح جامع مسکن با ابعدادی بسیار خردتر پیشنهاد شده بود و دولت نهم با افزایش مقیاس این پیشنهاد، در قانون بودجه سال ۱۳۸۶، کلنگ اجرای طرح مسکن مهر را بر زمین زد. از سوی دیگر، اساس طرح مسکن مهر به‌گونه‌ای بر قیمت قطعی بنا شده بود که عملاً اجرای آن با قیمت روز ناممکن شد؛ در نتیجه بخش زیادی از منابع مسکنی دولت به سمت تکمیل مسکن مهر گسیل شد و اجرای سایر طرح‌های مسکنی نظیر مسکن اجتماعی را بسه کما برد. ایرادات بنیادی طرح مسکن مهر تاکنون ۵دولت را درگیر کرده و دولت چهاردهم نیز گریزی از تکمیل مابقی تعهدات این طرح نخواهد داشت؛ اما در نهضت ملی مسکن، با نکات مثبتش، ۴قاعده کلی وجود دارد که حتی با تغییر دولت، راهبرد آن قابل تغییر نخواهد بود.

نکته اول اینکه نهضت ملی بر مبنای قانون جهش تولید مسکن مصوب شهریور ۱۴۰۰ اجرا شده و از این منظر حتی اگر دولت جدید نام نهضت را تغییر دهد، اجازه تغییر ماهیت اصل طرح را نخواهد داشت. طبق ماده‌یک قانون جهش تولید مسکن، «دولت موظف است...به‌نحو برنامه‌ریزی و اقدام کند تا در ۴سال نخست اجرای این قانون، سالانه به‌طور متوسط حداقل یکمیلیون واحد مسکونی در کشور برای مقاضیان واجد شرایط...عرضه شود.» نکته دوم اینکه بخش عمده قراردادهای نهضت ملی مسکن با تکیه بر زمین رایگان دولتی، تسهیلات تکلفی، یارانه سود و البته هزینه واقعی ساخت، منعقد شده و از این منظر، بن‌بستی برای تداوم پرقدرت پروژه‌های نهضت ملی مسکن در دولت چهاردهم وجود ندارد. همچنین در قانون جهش تولید، تکلیف همه ابعاد تأمین مالی و مدیریت نهضت ملی مسکن اعم از تکلیف بانک‌ها در پرداخت تسهیلات، منابع اختصاصی مسکن از محل مالیات، عوارض و... مشخص شده و فقط مدیریت این منابع به دولت جدید منتقل خواهد شد.

اینکه واردات ما از مسال ۱۳۸۹تا سال ۱۳۹۹ به قیمت‌های ثابت یک پنجم شده، انتخاب ما نبوده و حاصل فشار شدید به تراز پرداخت‌ها بوده است. پس نمی‌توان گفت ما در گذشته انزواگرا بودیم و حالا باید تصمیم بگیریم که دیگ

انزواگرانباشیم. ما به‌دلایلی در کنج عزت گیر افتاده‌ایم که باید تحت هر شرایطی از این وضعیت خارج شویم.

اینکه واردات ما از مسال ۱۳۸۹تا سال ۱۳۹۹ به قیمت‌های ثابت یک پنجم شده، انتخاب ما نبوده و حاصل فشار شدید به تراز پرداخت‌ها بوده است. پس نمی‌توان گفت ما در گذشته انزواگرا بودیم و حالا باید تصمیم بگیریم که دیگ

کشاورزی

ایران در تولید گندم به

خودکفایی رسید

محمدعلی نیکبخت، وزیر جهادکشاورزی می‌گوید: «خودکفایی گندم در سال زراعی جاری دست‌یافتنی است و دولت سیزدهم با رسیدن به رکورد خرید تضمینی ۷میلیون و ۵۰۰هزار تن گندم از کشاورزان در سال ابتدایی کار دولت، افزایش بیش از ۷۰صدمی خرید تضمینی را نسبت به دولت قبل در کارنامه خود ثبت کرده‌است.» به گزارش همشهری، وزیر جهادکشاورزی تأکید کرده است: «در سال زراعی ۱۴۰۲-۱۴۰۱حجم خرید تضمینی گندم از ۷میلیون و ۵۰۰هزار تن به نزدیک ۱۰میلیون و ۵۰۰هزار تن رسیده و کشور در تولید گندم به خودکفایی رسیده‌است؛ ضمن اینکه در سال زراعی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ تولید به یاداری می‌رسد و طبق پیش‌بینی‌ها، نیازی به واردات گندم نخواهیم داشت.» هم‌زمان با اعلام این خبر، داوود منظور، رئیس سازمان برنامه و بودجه از پرداخت پول گندمکاران از اوایل هفته آینده خبر داده و اعلام کرده است: «پیش‌بینی ما این بود که امسال هم حدود ۱۰.۵میلیون تن گندم خریداری کنیم و قیمت خرید تضمینی گندم امسال ۱۷هزار و ۵۰۰تومان به ازای هر کیلوگرم تعیین شده است؛ بنابراین برآورد ما این است که چیزی حدود ۱۹۰هزار میلیارد تومان باید صرف خرید گندم شود.» یا داووری کرده است: «خرید تضمینی فقط برای گندم است و بقیه محصولات کشاورزی تنها قیمت تضمینی دارند؛ یعنی وزارت جهادکشاورزی در مورد برخی از اقلام مهم، قیمت تضمینی اعلام می‌کند.» رئیس سازمان برنامه و بودجه یادآوری کرده‌است: «ما در سال‌های قبل حدود ۳ تا ۴میلیارد دلار صرف واردات گندم می‌کردیم و الان تقریباً به کمتر از یک میلیارد دلار رسیده که آن هم فقط برای ذخایر راهبردی واردات است.» به گزارش همشهری، بی‌نیاز شدن کشور از واردات گندم به‌معنای صرفشدن آن امنیت مستقلی برای خود دارند و توانسته‌اند یک زیرساخت امنیتی مستقل خود را در تئ‌های بزرگ برای خود ایجاد کنند، بیشتر از آن‌ها موفق خواهند شد. با این حال حفظ این خودکفایی در خصوص گندم با توجه به وضعیت منابع آبی کشور در سال‌های آینده تعیین‌کننده است و باید منتظر ماند و دید آیا سیاست خرید تضمینی گندم و خودکفایی همچنان در اولویت دولت آینده قرار دارد یا نه؟